

اسرار تاریخی کمیته مجازات

و

مطالب تازه ای که تاکنون

منتشر نشده است



کمیته مجازات و نقش آن در پیشرفت انقلاب مشروطیت
چه کسانی بدست کمیته مجازات بقتل رسیدند و عاملین قتل ها چه کسانی
بودند؟

کمیته مجازات چه هدفی داشت و تا چه اندازه در اجرای هدف خود
موفق گردید؟

مقدمه :

در باره تاریخ کمیته مجازات تاکنون مطالب پراکنده و متنوعی در جراید منتشر
گردیده و هر کس به سهم خود مشهودات و یا مسموعات خود را برشته تحریر درآورده و از آن
یادی کرده است.

نگارنده از نظر قرابتی که با مرحوم علی اکبر ارداقی (یکی از سران کمیته
مجازات) داشته و دارد گذشته از خاطرات و محفوظات آن مرحوم که بسیار ارزنده و جالب
میباشد خود نیز درباره وقایع مربوط بکمیته مجازات و شرح حال گردانندگان و محاکمات
آنان و کلیه حوادثیکه در جنب کمیته مذکور روی داده تحقیقات و مطالعات وسیع و دامنه داری
نموده و کلیه جراید آن زمان را مطالعه کرده و با رجال و کسانیکه خود ناظر و شاهد وقایع
آن زمان بوده اند مصاحبه نموده و از اطلاعات آنان از قبیل حکیم الملک -

مستشارالدوله صادق - میرزا باقرخان پدر - عدل‌الملک دادگر - میرزا احمدخان اشتری - مورخ الدوله سپهردرتیه و درج مقالات استفاده نموده و عکس‌های متهمین کمیته مجازات و شرح حال‌و‌بیان نامه‌هایی را که بمناسبت هرقتل و ترور منتشر میشد جمع‌آوری نموده و حتی اقداری و اعترافات آنان را بچنگ آورده و امروز بصورت مجموعه ارزنده‌ای تقدیم خوانندگان محترم مینماید تا شاید زوایای تاریک گوشه‌ای از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران روشن گردد و اعمال و رفتار و اقدامات کمیته مجازات مورد قضاوت قرارگیرد و معلوم گردد تا چه پایه عملیات این‌عده که در وطن پرستی آنان شك و تردیدی وجود نداشته در جلوگیری از اعمال خائنانانه برخی از مسئولان امور مؤثر بوده و تا چه اندازه توانسته‌اند نظرات اصلاحی و انقلابی خود را از این طریق بمنصه ظهور برسانند و یا تا چه درجه باعدم موفقیت مواجه شده و نتیجه معکوس گرفته‌اند.

باید دید آیا راهی را که گردانندگان کمیته مجازات برای اجرای مقاصد وطن‌پرستی و رفع ظلم و تبعیض در پیش گرفته بودند آنان را بمقصد و هدفی که در نظر داشته رسانید؟ و آیا این عده و هراشخاص دیگری صلاحیت دارند که جرائم خائنین و جاسوسان را تعیین و تشخیص و مجازات لازم را درباره آنان بمرحله اجرا در آورند بدون اینکه کمترین حق دفاعی برای متهمین ذهنی خود قائل شوند؟

اگر هر کس یا هر عده بصرف داشتن افکار انقلابی و اصلاحی بخواهد از طریق ایجاد رعب و وحشت و ترور و ترورسیم، آدم ربائی و امثال آن با فساد و جاسوسی و انحراف و هر نوع خیانت بوطن و ملیت مبارزه کند و قوانین مملکتی و مقررات جاریه را ندیده‌انگار و شکی بیست که پس از مدتی امنیت عمومی جای خود را به هرج و مرج و آناشسیم داده و نظام اجتماعی مختل و شیرازه نظم عمومی از هم خواهد گسیخت و رعب و وحشت جایگزین رفا و آسایش عمومی خواهد شد.

نگارنده ضمن احترام به احساسات و وطن‌پرستانه و بی‌شائبه گردانندگان اصلی کمیته مجازات که افرادی وطن‌پرست، پاکدل و خوش‌نیت بوده و شور خدمتگزاری در سر داشته‌اند راهی را که برای اجرای افکار اصلاحی خود انتخاب نموده‌اند مطرود دانسته و اضافه میکنم که کلیه سازان‌های تروریستی که در طول اعصار مختلف و یا در حال حاضر خواسته‌اند از طریق ایجاد رعب و وحشت و انتقام‌جویی و قتل و آدم ربائی نظرات خود را اعمال کنند پس از مدتی کونا به نتیجه معکوس گرفته و اذهم متلاشی شده و یا بین آنان اختلافاتی بروز کرده است که منجر به افشای اسرار آنان گردیده و افکار عمومی را علیه خود بسیج و تجهیز نموده‌اند که ما در طول تاریخ کمیته مجازات بنظایر این مشکلات برخورد خواهیم کرد. ولی

باید تصدیق کنم که در شرایط زمانی آن عصر شاید تنها راه مبارزه کمیته مجازات همین بوده است .

با توجه بمراتب بالا، اینک باصل مطالب مربوط به اسرار کمیته مجازات میپردازیم و از خوانندگان گرام و کسانی که از دور یا نزدیک ناظر جریانات کمیته مجازات بوده اند تقاضا میشود چنانچه اشتباه یا انحرافی در نوشته‌ها و یادداشت‌های نگارنده مشاهده فرمایند در صورت اقتضا از راهنمایی و ارشاد دریغ نفرمایند .

کمیته مجازات در سال ۱۳۳۵ قمری بدو وسیله سه نفر بنامهای ابوالفتح‌زاده - منشی‌زاده - مشکوة الممالک تشکیل و بعداً میرزا علی اکبر ارداقی (برادر قاضی ارداقی قزوینی) و عمادالکتاب سه نفر مذکور پیوستند و باکک کریم دواتگر ضارب شیخ فضل‌اله نوری که با مشروطه خواهان همکاری داشت توانستند آن عده از کسانی را که در اجرای اصلاحات سدره وطن خواهان بودند از میان بردارند .

میرزا اسمعیل‌خان رئیس انبار غله - متین‌السلطنه ثقفی مدیر روزنامه عصر جدید ، آقاسید محسن مجتهد داماد مرحوم آیت‌الله بهبهانی آزادینخواه صدر مشروطیت، منتخب‌الدوله خزانهدار کل از جمله کسانی بودند که بوسیله عوامل کمیته مجازات بقتل رسیدند و کریم دواتگر پس از کشته شدن میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله بدست اعضای کمیته بجرم خیانت به همکاران خود بقتل رسید و پرونده او در شروع کار کمیته مجازات برای همیشه بسته شد .

برای اینکه بحقایق اسرار کمیته مجازات بهتر پی برده باشیم قسمتی از اعترافات منشی‌زاده (یکی از سران کمیته مجازات) را بشرح زیر نقل میکنیم:

«بدبختانه در مملکت ما قانون وجود ندارد و یادرسورت وجود اجرا نمیشود، جزای خائن و خادم همیشه معکوس است چنانچه این قضیه برای خود اینجانب رخ داد یعنی در سال ۱۳۲۳ هجری که در قزاقخانه با درجه سرهنگی خدمت میکردم و ماهیانه دو یست تومان دریافت میکردم برای این که بتوانم بوطنم خدمت کنم از کار در قزاقخانه کناره گیری نموده بخدمت دولت وارد شدم و پس از مدتی رئیس نظمیہ شیراز شدم و چون ظفرالدوله حاکم شیراز رفتاری غیرعادلانه داشت پس از چندی عازم تهران شدم ولی بین راه مرا غارت کردند و هستی و نیستیم بباد فنا رفت .

هر چه شکایت کردم اثری نبخشید پس از ۴ ماه بیکاری و تحمل هزینه و قرض‌گزاران بریاست اداره تحدید تریاک منصوب شدم . در این مدت

چه رنجها و مرارتها کشیدم و در مقابل نامالایمات ایستادگی کردم و بالاخره حاکم یزد برای ۱۵۰ تومان رشوه‌ای که از من میخواست و من از پرداخت آن امتناع نمودم تمات زحمات مرا بر باد داد و مبالغ کلسی بدولت زیان وارد ساخت.

وی بمن علانیه میگفت که عواید تریاک را بسه قسمت کرده يك ثلث بوی داده و ثلث دیگر را بخود اختصاص دهم و ثلث سوم را برای دولت حواله کنم و چون از این وضع بستوه آمدم جریان را بمرکز گزارش دادم و مسیو مرنارد مرا به مرکز احضار و ریاست مالیه غار و فشافویه را بمن واگذار نمود.

در طول مدتیکه عهده‌دار امور مالیاتی غار و فشافویه بودم مجدداً تحت فشار اشخاصی قرار گرفتم ولی هیچگاه از جاده عفاف و حقیقت منحرف نشدم و جریانات را بوزیر مالیه و رئیس اداره تشخیص گزارش دادم ولی عرایض مثمر واقع نشد.

پس از چندماه کابینه وثوق الدوله تشکیل و عمیدالسلطان بجای میرزا رضای مستوفی به ریاست اداره تشخیص منصوب و شرح حال خود را برای او تعریف و تمهد نمودم که عواید غار را سالیانه بیش از ۵ هزار تن بدولت تحویل دهم ولی ایشان نپذیرفتند و بعد معلوم شد مباشرین ۲۵۰۰ تن وصول کرده اند در حالیکه دولت برای کمبود غله، هر خروار از ۳۵ تا ۴۰ تومان از عراق و دیگر کشورها وارد میکند.

دتا این که روزی ابوالفتح زاده که سابقاً با من دوستی داشت و تازه از زندان روسها خلاصی یافته بود بملاقات من آمد و من شرح بیکاری و صدماتی را که دیده بودم برای او تعریف کردم و او نیز از نامالایمات و خطرات و بدبختیهایی که تحمل کرده بود شرح کشفانی گفت و هنگامیکه وضع دلخراش خود را برای من تعریف میکرد احساس کردم که ما هر دو در یک وضع متشابه قرار داریم.

از اینرو ابوالفتح زاده کراداً بمن توصیه و تکلیف میکرد که انجمن یا جمعیتی تشکیل دهیم تا از این رفع ظلم کرده و دست کسانی را که بوطن خیانت میکنند و یا از راه جاسوسی ارتزاق مینمایند و با اجانب همکاری میکنند کوتاه کنیم و بوضع کنونی که همه را بستوه آورده است خاتمه دهیم و از این راه برای مملکت و ابنای این آب و خاک خدمتی انجام دهیم.

پس از مدتی فشار بیعدالتیها - وظلمهای پی‌درپی، ما را بر آن داشت که تصمیم خود را از حرف بعمل در آوریم تا اینکه روزی ابوالفتح زاده بمن اطلاع داد که شخصی به نام کریم دواتگر ضارب شیخ فضل الله نوری که اخیراً از جبهه جنگ بازگشته است و افکار انقلابی دارد بامن مذاکره نموده و از اوضاع ناراضی است.

اجراى اين تصويبنامه سروصدای زيادى بلند کرد مجلس ومطبوعات بر عليه ترقى بهای ارز همصدا شدند . مرحوم ابوالقاسم رزاقى نماينده مجلس اول كسى بود كه در مجلس داد سخن داد و بر عليه ترقى نرخ ارز مطالب مستدل و مفصلى ايراد كرد .

آقاى دكتر مشرف در مصاحبههاى متعدد و نطقهاى پى در پى از ترخود دفاع مى- كرد . در مجلس گفت : درست است كه سابقاً اسم ليره ۶۸ ريال و دلار ۱۷ ريال قيمت داشت لکن افراى كه در امر تجارت و دادوستد واردند مى دانند كه نرخهاى ۶۸ ريال جز اسم چيز ديگرى نبود و عملاً نرخ ليره بازرگانى ۱۷۶ ريال و دلار ۴۸ ريال بود . از نقطه نظر فنى تناسب بين دوپول بدو نحو تعيين مى شود اگر آن دو پول هر دو قابل تبديل به فلز باشند تناسب آنها از روى مقدار فلزى كه هر کدام در بر دارند برقرار مى گردد . فعلاً اين طريق تناسب ارزش بين دو پول مورد ندارد زيرا هيچ كشورى در دنيا نيست كه اسكناس آن بطور آزاد قابل تبديل به فلز باشد .

نحوه ديگرى كه براى تعيين تناسب ارزش بين دو پول وجود دارد مقايسه قوه خريد داخلى آن دو پول است يعنى حساب كنند در انگلستان با يك ليره چقدر جنس مى- توان خريد و در ايران همان مقدار جنس يا اجناس مشابه را باچه مبلغ ريال مى توان تهيه كرد آنوقت تناسب حقيقى ليره و ريال بر روى آن اساس مستقر مى شود ولى چون در عمل اين سنجش قوه خريد داخلى پول نيز خيلى مشكل است و هرساعت و دقيقه نمى توان آن را حساب نمود .

عرضه و تقاضا - و بعضى عوامل سياسى و روحى تأثير عمده در تعيين نرخ مبادله دو پول دارد و اگر نظارتى در كار نباشد ممكن است ترقى و تنزل فاحشى پيدا شود مثلاً يك ليره يك روز در ايران صد ريال شود ، هفته بعد به دوست ريال برسد و يك ماه بعد به پنجاه ريال تنزل كند اين ترقى و تنزل نرخ در مواقع عادى كه صلح و صفا در دنيا برقرار و تمام لوازم تجارت فراهم و موازنه بين صادرات و واردات كشورها تثبيت شده اهميت زيادى ندارد و بهمين جهت در چنين موارد احتياجى نيست كه دولت نظارت در امور ارز كند و بايد بگذارد قانون عرضه و تقاضا معدل نرخها بشود در مواقع غير عاى هستند موقعى كه جنگ خارجى و داخلى و وقايع ديگرى راه تجارت را مسدود كرده و هر روز احتمال پيش آمدهاى خوب يا بد مى رود و روحيه افراد را تحت تأثير وقايع قرار مى دهد . در معاملات ارزى تشنهائى پيدا مى شود كه دلالت بر ناخوشى بازار معاملات مى- كند در آن موقع بايد دولت دخالت نمايد و بواسطه نظارت در معاملات ارزى جلو مرز را بگيرد و نرخى را تعيين و تثبيت نمايد كه در سايه آن تمام طبقات ذينفع كشور اعم از مصرف

بعقیده نگارنده اولین اقدام کمیته مجازات چنان رعب و وحشتی در دلها ایجاد کرد که هر کس که بنحوی از جاده عفاف و صداقت و خدمت به مملکت منحرف شده بود خود را در مظان خطر و تهدید میدید و یا خود را مستحق مجازاتی میدانست که در مورد میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله اعمال شده بود.

میرزا اسمعیل خان قبلاً پیشکار مالیه سیستان بود و در طول مدت خدمت خود مقادیر معتنابهی از ذخایر غله کشور را به بهای نازل بخارجی ها فروخت و پس از این که به تهران مراجعت کرد ازدادن گزارش اقدامات خود امتناع و دولت هم بعلت حمایت خارجی از او ضعف نشان میداد و از او حساب دقیقی نمیخواست تا جائیکه روزنامه‌های آن زمان زبان باعتراض می‌گشایند و چون اعمال شرم‌آور او و مخصوصاً قرابت وی بیکسی از سفارت خانه‌های خارجی بحد شیاع رسیده بود و حالت نفرت آمیخته به کینه در مردم ظاهر شده بود دیگر او را بسفارتخانه راه ندادند.

متأسفانه مدیر روزنامه عصر جدید (متین السلطنه) علیرغم اعتراضات مردم از اسمعیل خان حمایت می‌کرد که همین امر موجب گردید نام متین السلطنه هم در لیست سیاه کمیته مجازات وارد شود و مردم نسبت بوی نیز سوءظن پیدا کنند.

مرحوم اعتماد حضور که تا چند سال قبل در قید حیات بود در نزدیکی منزل نگارنده سکونت داشت اظهار میداشت: «من در آن زمان در اداره غله (مجاور دروازه شاه عبدالعظیم) زیر دست میرزا اسمعیل خان کار می‌کردم نیمساعت قبل از این که از اداره خارج شود و بسزای اعمالش برسد مرا احضار و بر سر موضوعی با من مجادله و مشاجره زیاد نمود و با خشونت امر ونهی کرده هنگامیکه کار اداری تمام شد صدای چند تیر به گوش ما رسید سراسیمه بخارج محوطه رفتیم و مشاهده کردیم میرزا اسمعیل خان درحالی که با کالسکه خود از اداره خارج میشده بضر ب گلوله افراد ناشناسی از پای درآمده و در خون خود می‌غلطد و پس از لحظه‌ای جان به جان آفرین تسلیم نموده».

بطوریکه کریم دواتگر بعداً تعریف می‌کرد هیئت اجرائیه بریاست او و عضویت رشیدالسلطان رسید و مرتضی خان و شخص دیگری بنام عبدالحسین ساعت سازمان‌آور قتل میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله میشوند و هر چند روز هر کدام در پست خود آنقدر کشیک میدهند تا روزی میرزا اسمعیل خان به تنهایی با کالسکه خود از اداره خارج میشود و هنوز چند قدمی از اداره دور نشده بود که رشیدالسلطان با ضرب چند گلوله او را از پای در می‌آورد و چند لحظه‌ای هم توقف می‌کند تا از مرگ او اطمینان حاصل کند و کالسکه چی هم پس از این که صدای گلوله را می‌شنود برای نجات ارباب خود فرار را برقرار ترجیح میدهد غافل از این که در اثر ضرب گلوله، میرزا اسمعیل خان از کالسکه بخارج پرتاب می‌شود، کریم دواتگر و سید مرتضی و عبدالحسین ساعت ساز هم در اول و انتهای کوچه‌ایکه منتهی به اداره غله می‌شد مراقب بودند که رشیدالسلطان وظیفه خود را بنحو احسن انجام و در موقع مقتضی او را فرار بدهند که در این کار بخوبی موفق می‌شوند و کسی از هویت آنان اطلاع پیدا نمی‌کند.

(ادامه دارد)